

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

A.R.M.D

آرشیف اسناد جنبش انقلابی

نویسنده: زنده یاد دکتر عینعلی بنیاد  
بازتایپ و ارسال از: دیپلوم انجنیر نسرین معروفی  
۱۱ نومبر ۲۰۱۴

## مقدمه ای بر مقدمه ها در تجلیل سه عقرب

۲

شمسی ۱۳۵۵

این مقدمه ها و مقدمه چینی ها در جوار سایر نشرات تیئوری، سیاسی و سازمانی جزئی از پیش درآمد هائیکست که در قبال جنبشهای رهائی بخش، جنگ های توده ئی طولانی و پیروزی انقلاب بورژوا دیموکراتیک (انقلاب نو دیموکراتیک) و پیروزی مراحل بعد از آن که رهبری همه جانبه آنها در شرایط مشخص کشور از وظایف و رسالت های تاریخی حزب کمونیست انقلابی و راستین (م. ل. ا.) است، پخش می گردد.

در باره کودتا در افغانستان

و جریان اوضاع بعد از "انقلاب سفید"

کودتاجیان در افغانستان به تاریخ ۶ سرطان ۱۳۵۲ شمسی اعلان کردند که توسط رهبری داوود "انقلاب سفید" به راه انداخته شد و جمهوریت به میدان آمد. سردار داوود یازنه و پسر کاکای ظاهر شاه چند وقت بعد "انقلاب سفید" را "انقلاب" گفت بدین معنا که رژیم سلطنت در کابل توسط "انقلاب" سقوط کرده است.

نگاهی مختصر در اوضاع خارجی و داخلی مترادف با اعلان جمهوریت در افغانستان:

اوضاع خارجی:

در ویتنام امپریالیسم امریکا و دستیاران در آستانه شکست قطعی قرار داشت. امپراتوری دلار که روزگاری بر تمام پول رایج کشور های سرمایه داری و کشور های عقب مانده حکمرانی داشت، سقوط کرد. از این رو کشور های سرمایه داری جهان و کشور های عقب مانده آسیا، آفریقا و امریکای لاتین که با امپریالیسم امریکا تبادل اسعاری و قرار داد های اسعاری داشتند به تب لرزه دچار گردیدند و حتا کشور های تحت حمایت امریکا نیز به مبارزه پرداختند و خواستند که قرارداد های شان را مثلاً در مورد نفت و سایر مواد خام سر از نو نظر اندازی نمایند و هکذا کشور های عقب مانده ای نظیر افغانستان که پشتوانه بانکی شان غالباً عوض طلا، دلار بود نیز به ضربه های اسعاری و اقتصادی شدید دچار گردیدند. بنا براین نرخ مواد استهلاکی خارجی فوق العاده بالا رفت و هزینه زندگی بیشتر از بیشتر پائین آمد.

در شرق دور، جاپان یکی از کشور های دوست امپریالیسم امریکا نیز مبارزه سیاسی و اقتصادی را به راه انداخت. در کشور های امریکای لاتین، افریقا و آسیا مبارزات مردم در روشنائی پر فروغ و پر ظفر جنگ های مسلحانه ویتنام بیشتر کسب شدت نمود و حتا خود دولت های دستنشانده و وابسته نیز با ارباب ولینعمت دیرین روی منفعت اقتصادی و طبقاتی شان به غم غم افتادند.

د ر کشور های هندوچین همبستگی خلق های مبارز و انقلابی اضافه تر تقویت گردید. امپریالیسم امریکا برای جبران شکستش در ویتنام دولت شاهی کمبودیا را توسط عناصر جیفه خوار خود به سرکردگی **لونول** با یک کودتای ضد انقلابی سقوط داد و ماجراجویی جنگی را در آن طرف مرز ویتنام به راه انداخت. اما پس از آن خلقهای انقلابی کشور های هندوچین و خاصاً خلق انقلابی کمبوج جواب دندان شکنی به امپریالیسم امریکا دادند و دو باره استقلال کمبوج به رهبری حزب کمونیست کمبوج و ارتش آزادی بخش ملی به میدان آمد. درست در همین زمان بود که دفعتاً نعره های "صلح" دولت سوسیال امپریالیسم شوروی و ارسال وسایل و پرزه های یدکی سلاحهای جنگی دولت شوروی برای دولت دستنشانده **لونول** در کامبوج خاموش و متوقف گردید و در آستانه شکست قطعی دولت کمبوج سفير دولت **لونول** را دوباره به کامبوج فرستاد و در پی به رسمیت شناختن دولت جدید در کامبوج گردید. **سیانوک** در مصاحبه ای اظهار کرد که با ارسال سفير **لونول** از طرف دولت شوروی دو باره به کامبوج، کدام شکی در باره پیروزی کامبوج از طرف ارتش آزادی بخش ملی باقی نمانده است.

در همین آستانه پیروزی ویتنام و کامبوج بود که جنبشهای آزادیبخش در کشور های آسیا، افریقا و امریکای لاتین به پیمانه وسیعی شدت کسب نمود. امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی این دو ابر قدرت در جهان معاصر با شرکاء و سگهای زنجیری شان بیشتر از پیشتر در پی همکاری مخفی و علنی رقابت روی منافع افتادند.

سیل سد ناپذیر جنگهای عادلانه کشور های هندوچین داشت کشور تایلند و قاره هند را فرا می گرفت و روی این موضوع بایست منطقه ضعیف و دور از مرکز پاکستان زود تر درخشش انقلابی کسب می نمود، این امر البته خطر جدی برای دولت مرتجع هندوستان محسوب می شد. همان بود که دولت سوسیال امپریالیسم شوروی و دولت مرتجع هندوستان در پی آن برآمدند که هر چه زود تر و عاجل تر برای سرکوب مردمان ستمکش بنگال (حصه شرق در قلمرو پاکستان) "دولتی" ایجاد نمایند تا مستقماً با پالیسی ریفورم ارتجاعی بر اوضاع انقلابی داخلی آن سرزمین نظارت داشته باشد از یک طرف و از طرف دیگر منافع داخلی و دست آورد های مردمان ستمکش بنگال را به عوض دولت پاکستان مشترکاً بین خود تقسیم نمایند.

این امر اخطار جدی به دولت مرتجع پاکستان نیز بود که باید هر چه زودتر دولت پاکستان زیر پروگرام "صلح و امنیت منطقه" در کشور های آسیائی مطروحه از طرف دولت سوسیال امپریالیسم شوروی، داخل گردیده و کلاه زرکش سیاسی امپریالیسم امریکا و شرکاء را به کلاه زربفت سوسیال امپریالیسم شوروی و شرکاء عوض کند. خلاصه سوسیال امپریالیسم شوروی با همکاری نیرو های ارتجاعی دولت هندوستان، بنگال را به زور اسلحه از قلمرو پاکستان جدا کردند و با ریختن خون هزاران انسان دولت دست نشانده "بنگله دیش" را بنا نهادند. همزمان با این امر سوسیال امپریالیسم شوروی و مرتجعین هندی مبارزات دنباله روان خود را در قلمرو پشتون و بلوچ نشین دامن زدند و پنهانده شدن "سیاسی" کلانهای حزب عوام ملی، نوکران باستانی امپریالیسم انگلیس و امریکا و دنباله روان معاصر سوسیال امپریالیسم شوروی شاهد دیگر این مدعا است تا با روحیه به دست آوردن قدرت سیاسی مبارزات واقعی انقلابی خلق پشتون و بلوچ را به ضد دولتهای مرتجع منطقه و سوسیال امپریالیسم، خنثا سازد و بهتر تر مواد خام آن کشور را غارت نماید و حلقه زنجیر غلامی دولتهای مرتجع این منطقه را این بار به نام نامی خودش از بنگال تا کوه های پامیر و دریای آمو به چنگ بکشد. این حلقه زنجیر غلامی عبارت است از حلقه "محاصره" دولت توده ئی چین (حمایت گر

جنگ های مسلحانه و عادلانه) و غاتگری مواد خام و بازاریابی سوسیال امپریالیسم شوروی در این حلقه محاصره و همکاری رقابت با امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم امریکا.

مفهوم پناهنده شدن "سیاسی" این به اصطلاح کلانهای حزب عوام ملی در افغانستان را، اجمل ختک با خطک مجمل در نامه ای به وزارت قبایل افغانستان چنین افاده کرده است. "طوری که پایگاه مبارزین انقلابی بنگال" دولت هند گردید، دولت شاهی افغانستان باید پایگاه انقلابی مبارزین پشتون و بلوچ باشد". همزمان با این اوضاع خارجی شاه افغانستان به بهانه علاج به اروپا سفر می کند، ختم مسافرتش در اینجا و آنجا بالاخره به مسکن گزینی اش در روم منجر می گردد. آیا این پالیسی اتحاد شوروی به صورت جدی و از قوه به فعل درآمدن آن برای دولت شاهی افغانستان امر جدید و عمیق بود؟ خیر دیگر عوامل خارجی و داخلی نیز وجود داشت تا شاه افغانستان مصلحتاً فرار را بر قرار ترجیح دهد.

همزمان با این اوضاع جهانی جمهوریت توده ئی چین از طرف سیلی از کشور های جهان به رسمیت شناخته شد و در مؤسسه ملل متحد عوض بیرق جمهوریت به اصطلاح چین ملی بیرق جمهوریت توده ئی چین بلند گردید. به رهبری رفیق ماوتسه دون و حزب پر افتخار و کبیر کمونیست چین، انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی در چین به پیروزی درخشانی نایل آمد و هر گونه گرایش های نادرست به باد شلاق و انتقاد توده ئی قرار گرفت و برای اولین بار در تاریخ تکامل جهان و انسان از کنفیسیوز در نهان گاه های فکری و پناهگاه های مذهبی به صورت علنی انتقاد به عمل آمد. مبارزات طبقاتی همه جانبه بیشتر از پیشتر تکامل نمود و فکتور های سوسیالیستی بر فکتور های سرمایه داری پیروز گردید و سوسیالیسم در کشور جمهوریت توده ئی چین استحکام یافت.

در افریقا مبارزات آزادیبخش به ضد امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم تکامل یافت حتا دولت های مرتجع با بادران دیروزی خود جهت بقای بیش از پیش شان به دعوا و کشمکش افتادند و سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیسم امریکا جهت هژمونی در این کشور ها به رقابت پرداختند و برای این که به غاتگری خود در این کشور ها ادامه داده باشند دست به کودتاهای ضد انقلابی زدند و جنگ های ضد انقلابی را در برابر خلقها و انقلابیون آن قاره به راه انداختند. در کشور های اروپائی بحران عمیق اقتصادی نسبت تنزل نرخ دالر و مبارزات نفتی که از طرف اوپک (سازمان کشور های دارنده نفت) به راه انداخته شده بود، به وجود آمد.

مبارزات انقلابی سازمانهای مارکسیستی - لیننیستی - مائوتسه دون اندیشه به ضد ریویونیسم معاصر و سوسیال امپریالیسم شوروی به راه افتاد.

در جریان همین اوضاع جهانی بود که آوازه کودتا در افغانستان بالا شد و چندی پس از آن ظاهر شاه به دولت "جدید" پیام فرستاد که وی در افغانستان از سلطنت "استعفاء" داده است.

### اما بعد، اوضاع داخلی کشور:

مسأله قحطی و گرسنگی نیم قرنه بالاخره از چار دیوار افغانستان بیرون جهید و فرار مردم بیچاره و ستم کش به صورت سیل آسا در کشور های همجوارش جریان نمود.

مبارزات انقلابی پیروزمندانه ویتنام و جبهه آزادی بخش فلسطین و جنگ جویان انقلابی ظفار و یمن و مبارزات قهرمانانه سایر کشور ها به ضد مرتجعین داخلی و امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی در افغانستان به پیمانه قابل ملاحظه ای انعکاس یافت.

جریان های مختلف سیاسی در افغانستان به میدان آمد. (باید گفت که ما در این جا قصد نداریم در باره جریان های سیاسی و طرز العمل مراکز فرماندهی و بهره برداری به نفع رژیم پوسیده شاهی مطلق العنان بپردازیم) اما ناگزیراً باید بگوئیم که دولت شاهی افغانستان نتوانست جنبش انقلابی روزافزون چپی های واقعی را (نه چپی های بوقلمون را) چه

در میان روشنفکران، جوانان، محصلان و شاگردان و چه در میان کارگران و دهقانان به طور دایم جلو بگیرد. آنها به یقین دریافتند که قشر رو به تکامل کمپرادور و نمایندگان سیاسی، فرهنگی و روحانی شان از جمله دشمنان خلق افغانستان است. کمپرادور و نماینده های گوناگون شان چه لباس "سرخ" به تن کنند و چه "سفید" ضد خلق است. خلاصه مبارزه به ضد فیوڈالیسم و قشر رو به تکامل تاجر و دلال و نمایندگان شان و مبارزه به ضد رژیم سلطنتی مطلق العنان و همچنان مبارزه به ضد امپریالیستهای گوناگون و خاصاً به ضد امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی و جیفه خواران و دنباله روان شان اوج گرفت.

آوردن های ریفورم سر ریفورم و به وجود آوردن دموکراسی "تاجدار" نیز نتوانست جوش سیاسی روشنفکران، محصلان و شاگردان، کارگران و دهقانان را جلو گیرد.

واقعۀ سه عقرب و کشتن و بستن ها و به زندان انداختن ها نیز نتوانست که سیل مبارزات سیاسی را سد نماید. سیل مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگران در هر گوشه و کنار کشور به طغیان آمد و به صورت بالقوه داشت که با مبارزات روشنفکران، محصلان و شاگردان درهم آمیزد و در بعضی مناطق کشور خاصاً در مرکز کابل حتا به صورت بالفعل هم به شکل خود به خودی پیوندی برقرار گردیده بود.

مبارزات دهقانان و مبارزات قهرمانانۀ مردان مبارز و انقلابی اورسج به ضد میر صادر خان، فیوڈال بزرگ آن منطقه ثبت دیباچۀ مبارزات قهرمانانۀ دهقانی گردید. همچنان مبارزات انقلابی و سیاسی دهقانان چهاردهی کابل، پغمان، لغمان، بدخشان و پخته کاران خواجه غار مترادف با اعتصابات و مظاهرات کارگران کارخانه های نساجی گلپهار و جنگلک کابل، کارخانه های مطابع مرکز و ولایات و کارخانه های استثماری "سپین زر" ولایات و فابریکه های کود کیمیائی و برق مزار و شیرغان به غلبان آمده بود.

هرگونه ریفورم، هرگونه توطئه های سیاسی در جریان انقلابی مردم و خاصاً در جریان نودموکراسی نتوانست از ضعف دولت شاهی مطلق العنان، وابسته به امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی، در برابر مقاومت خلق های مبارز بکاهد و بالاخره این مبارزات به ضد دستگاه داشت که در شاهراه های نوی سوق داده شود و از آن همه، سازمان انقلابی مارکسیستی - لیننیستی - مائوتسه دون اندیشه (م. ل. ا.) برآمد کند و با پندگیری از سازمان بازان قلابی در راه ایجاد حزب کمونیست (م. ل. ا.) پرداخته شود، شناخت خود را در راه ایجاد حزب و در بارۀ جامعه افغانستان تکمیل کند، برنامه سیاسی بر مبنای تحلیل طبقاتی جامعه، مشخص و عینی به وجود آورد و ستراتیژی و تکتیک انقلابی موافق به تحلیل طبقاتی و برنامه سیاسی به میان بیاورد و از همه اولتر به پخش تیوری مارکسیسم - لیننیسم - مائوتسه دون اندیشه بپردازد و تیوری را رهنمای عمل سیاسی و انقلابی گرداند و در برابر گرایش های نادرست "چپ" و راست قد برافرازد و رهنمود سیاسی و سازمانی خود را برای اولین مرتبه در افغانستان و جهان منتشر کند و روی مبارزۀ مسلحانه توده ئی طولانی، محاصرۀ شهر ها از طریق دهات و سپس فتح شهر ها، پافشاری نماید و بالاخره به مبارزات خود به خودی آهنگ و انسجام دهد، اما این وضعیت دیری نپایید و "انقلاب سفید" به راه انداخته شد و در جناح "انشعابی" قصر سلطنت به اصطلاح جمهوری خواهان اقتدار را به دست گرفتند و این شعر که در جریان مبارزات سیاسی جریان های مختلف نسبت انشعاب بازی های شان به میدان آمده بود یعنی که "هرجا که انشعاب است آرزوی یک حساب است" "از روی آن ریا را ما خوب می شناسیم"

اضافه تر زبانزد شد. حال قبل از این که به جریان اوضاع بعد از کودتا بپردازیم لازم است یادآوری شود که این رویداد ها به هیچ صورت آن همه تکامل جنبش را به سرحد ایجاد حزب راستین (م. ل. ا.) خاموش نساخت. اما باز هم این ریفورم و تغییر نام (شاهی به جمهوری) تأثیری روی جنبش وارد نموده است. تأثیر آن را هم در شبنامه های بعد از

کودتا و تجلیل سه عقرب و مقدمه های آن می توان به خوبی دریافت نمود و اکنون هم این نبشته مقدمه بر آن مقدمه  
هست.  
ادامه دارد